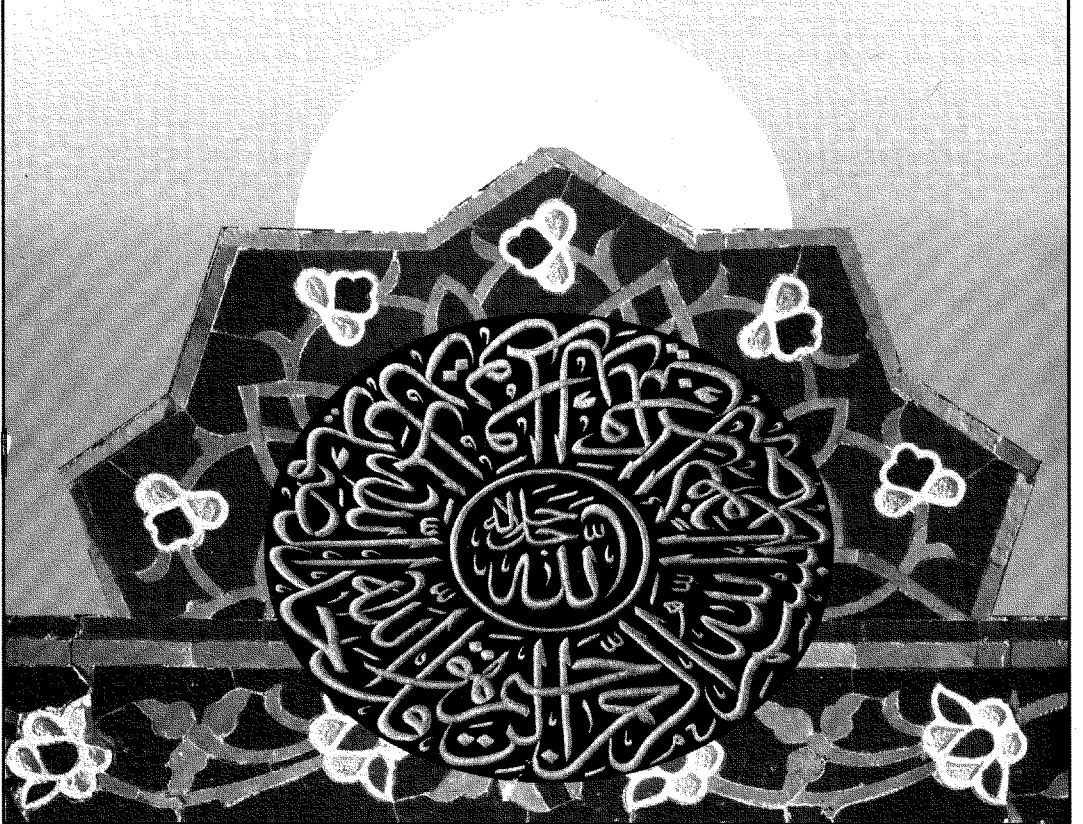
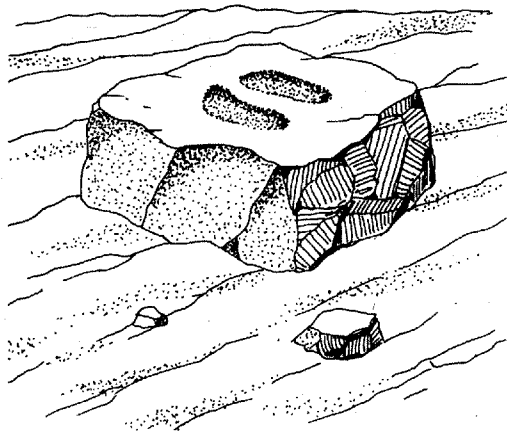


اماکن و آثار



مقام ابراهیم نماد قیام لله



مقام ابراهیم یکی از «آیات بینات» الهی است و نماز طواف نزد مقام دارای فلسفه عمیق اعتقادی، اجتماعی و تاریخی است و به همین دلیل در فقه اسلامی به ویژه فقه امامیه، نماز طواف در حج و عمره جز پشت مقام ابراهیم یا نزدیک آن پذیرفته نیست؛ چنانکه آیه کریمه: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی...»^۱ بیانگر است و روایات نیز به تبیین و تشریح آن پرداخته و فقهای عظام بدان فتوا داده‌اند. در این نوشتار نگرشی گذرا داریم به پیشینه این سنگ تاریخی و فلسفه نماز طواف در جوار مقام و پاره‌ای احکام و دیدگاه‌های فقهی آن.

مقام و ریشه تاریخی آن

مقام (به فتح میم) در لغت به معنای محل قیام و جای ایستادن است و در این جا مقصود همان سنگی است که ابراهیم خلیل علیه السلام هنگام بنای کعبه بر آن ایستاد و با دستیاری اسماعیل علیه السلام عَلَم کعبه را برافراشتند و به روایتی، سنگی که

حضرت ابراهیم پس از بنای کعبه بر آن ایستاد و آهنگ حج داد و مردم را فراخواند تا به طواف بیت عتیق بیایند و هنگام ایستادن اثر پای او بر آن سنگ نقش بست.

آثار و اسناد تاریخی نشان می‌دهد که مقام ابراهیم در تاریخ پیشینه‌ای



مقام در داخل مقصوره‌ای از شیشه، از نوع کریستال قرار گرفته و بالای آن قبه‌ای کوچک است و هلالی بر فراز آن نصب گردیده است. ارتفاع این بنا از کف زمین به سه متر بالغ می‌گردد. مقام در ضلع شرقی کعبه، تقریباً مقابل در کعبه مستقر است و کسی که رو به مقام بایستد کعبه و در خانه را پیش روی دارد. مقام ابراهیم علیه السلام مورد توجه و احترام عمومی زائران از هر فرقه و مذهب می‌باشد. هرچند در مورد نماز پشت مقام اختلاف نظریه‌های فقهی وجود دارد:

پیشینه مقام ابراهیم

هریک از مشاعر و مناسک حج را پیشینه‌ای است که نشان می‌دهد رمز و راز این مشاعر و مناسک، فراتر از آن چیزی است که در بدو امر جلب نظر می‌کند؛ از این رو خداوند حج را مشتمل بر «آیات بینات» خوانده است: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ...﴾^۲ از جمله این آیات روشن و روشنگر، مقام ابراهیم است که تخصیص به ذکر داده شده. مقام هرچند به ظاهر بیش از قطعه سنگی نیست که اثر پای انسانی بر آن نقش بسته است، اما از نظر تاریخی این سنگ

گسست‌ناپذیر دارد. جناب ابوطالب عموی گرامی پیغمبر صلی الله علیه و آله در شعری به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید:

و موطىء ابراهيم في الصخر رطبة
على قدميه حافياً غير ناعل

«اثر پای ابراهیم در این سنگ
پابرجاست آنگاه که با پاهای برهنه و
بدون کفش بر آن ایستاد.»

مشخصات مقام

مقام ابراهیم، آن‌گونه که توصیف کرده‌اند، سنگی است از نوع مرمر، به رنگ سفید مایل به زردی و سرخی، به شکل مکعب، با مساحت حدود یک ذراع در یک ذراع (حدود ۴۰ × ۴۰ سانتی‌متر و یا ۳۶ × ۳۶ سانتی‌متر) با ارتفاع بیست سانتی‌متر که با پوشش از ورق طلای خالص اطراف آن بسته شده و جای دو پا در وسط آن دیده می‌شود که بر اثر تماس دست زائران، اثر دقیق پاها و انگشتان آن مشخص نیست و تنها دو حفره بر جای مانده است.

این سنگ بر پایه‌ای از سنگ مرمر با قطر ۳۶ سانتی‌متر قرار گرفته و با اتصالاتی از طلا بدان مهار گردیده است.

ویژگی خاص دارد و از آن مهم‌تر بُعد معنوی آن است که با این آیات نمادین تبیین می‌گردد.

نقطه آغازین مقام، چنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده، بدین‌گونه است: «هنگامی که خداوند به ابراهیم وحی کرد اعلام حج کند، سنگی را که جای پای ابراهیم بر آن است، گرفت و در کنار خانه کعبه، درست مقابل موضع کنونی مقام نهاد و بر آن ایستاد و با صدای بلند فرمان الهی را اعلام نمود و همین‌که ابراهیم لب به سخن گشود، آن سنگ تحمل وی را نداشت و دو پای او در آن فرورفت.

سپس ابراهیم پای خود را به سختی از آن سنگ بیرون کشید. با مرور زمان، وقتی ازدحام مردم موجب مشقت و زحمت زائران بیت شد، آن سنگ را از جای پیشین به محل کنونی (با فاصله ۲۶ ذراع و نیم، تقریباً سیزده متر، از خانه کعبه) منتقل کردند تا مطاف برای زائران خلوت شود و بدین‌گونه بود تا خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به رسالت برانگیخت و آن حضرت مقام را به همان محلی برگرداند که ابراهیم نهاده بود و بدین‌گونه بود تا پیامبر رحلت نمود و در زمان ابوبکر و اوایل

خلافت عمر نیز بدین منوال بود تا این‌که عمر دستور داد به جهت ازدحام زائران مقام به‌جای قبلی برگردانده شود...»^۳

از برخی روایات استفاده می‌شود که مقام ابراهیم علیه السلام از سنگ‌های بهشتی است؛ مانند «حجرالأسود» و «حجر بنی اسرائیل»^۴ و در برخی روایات آمده است که چون آدم علیه السلام به بنای کعبه مأمور شد، کوه ابوقیسیس صدا زد: «ای آدم، امانتی نزد من است، یکی حجرالأسود و دیگری مقام ابراهیم و آدم آن دو را گرفت و در موضع خود در دیوار کعبه نهاد».^۵

چرا نماز طواف پشت مقام؟

همان‌گونه که از آیه کریمه: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا...﴾^۶ استفاده می‌شود، محل نماز طواف باید از مقام ابراهیم اتخاذ شود و آیه کریمه با کاربرد ﴿...مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ...﴾^۶ بیش از این بیان نمی‌کند که محل نماز باید برگرفته از مقام ابراهیم باشد. و بدین ترتیب مقام در نماز طواف موضوعیت پیدا می‌کند، در هر جا که قرار گرفته باشد، خواه در جوار کعبه؛ مانند گذشته و چه با فاصله کعبه مانند زمان حاضر. همان‌گونه که حضرت



عَلَىٰ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: حَيْثُ هُوَ
السَّاعَةَ»^۶

مقام ابراهیم نماد قیام الله

از بعد فقهی مسأله که بگذریم، فلسفه این حکم نیز شایان تأمل است، مناسک حج سراسر تکرار و تمرینی است از آن چه ابراهیم خلیل علیه السلام و خاندان او، چهارهزار سال قبل در این مکان مقدس تاریخی، با تأسیس ام‌القرای اسلام و بنای کعبه، قبلهٔ موحدان، انجام داده‌اند، از طواف و نماز و زمزم و صفا و مروه گرفته تا عرفات و منا و قربانی و رمی جمرات و دیگر اعمال و مناسک که هریک تذکاری است از خاطرات ابراهیم و اسماعیل و هاجر که در جوار بیت عنیق بنیان مکتب توحید را نهادند و نسلی را پی‌افکنند تا در آیندهٔ جهان، پرچمدار آیین جهانی توحید در لوای شریعت والای احمدی علیه السلام باشند و ادامه دهند: سیره و سنت ابراهیم و خاندانش را که در آن کویر سوزان و وادی انقطاع، از هر چه جز خدا بود دل بریدند تا «امامت» خلق را به عهده گیرند و شایستهٔ حمل بار امانت الهی شوند و از آن چه رنگ شرک و طغیان و جهل و جور است تبری جویند.

صادق علیه السلام برای اثبات خلفیت به همین آیه مبارکه استناد کرده است:

«لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتِي طَوَافِ
الْقَرِيضَةِ إِلَّا خَلَفَ الْمَقَامَ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ: ﴿...وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ
مُصَلِّي...﴾ فَإِنْ صَلَّى هُنَا فِي غَيْرِهِ
فَعَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ»^۷

«برای احدی جایز نیست دو رکعت نماز طواف را جز پشت مقام ابراهیم بخواند، به دلیل گفتار خداوند بزرگ: از مقام ابراهیم نمازگاه برگزینید، پس اگر در غیر این مکان، این نماز را خواندی باید آن را اعاده کنی.»

و اما دلیل بر این که «خلف مقام هر کجا قرار گرفته باشد» برای نماز موضوعیت دارد، روایتی است که کلینی از ابراهیم بن ابی محمود نقل کرده که گفت: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: آیا دو رکعت نماز طواف را پشت مقام ابراهیم، همین جایی که امروزه قرار دارد، بخوانم یا جایی که در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار داشته است؟ حضرت در پاسخ فرمود: همان جایی که امروزه قرار دارد: «قُلْتُ لِلرَّضَا علیه السلام: أَصَلِّي رَكَعَتِي طَوَافِ الْقَرِيضَةِ خَلَفَ الْمَقَامَ حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ أَوْ حَيْثُ كَانَ

راز این که به نماز پشت مقام ابراهیم تأکید شده، همانا تاسی به خلیل الله و قدم جای قدم او نهادن است. البته نه تنها در این نماز بلکه در همه عرصه‌های حیات توحیدی. قیام در مقام ابراهیم درحقیقت «قیام‌الله» است؛ یعنی: بپا خاستن برای خدا و استقامت در راه تحقق آیین توحید و نفی شرک و ستم و طغیان در هر عصر و برای هر نسل و این قیام تا بدانجا اهمیت یافت که وارث ابراهیم خاتم النبیین علیه السلام مأمور شد مردم را به یک موعظه اندرز دهد و آن قیام‌الله بود: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ...»^۹ به عبارت دیگر: حج که حرکتی است پر راز و رمز و پیام خود را با حرکت و سکون بیان می‌دارد و با شیوه نمادین ابلاغ می‌کند دعوت به قیام است، همان‌گونه که کعبه مشرفه «قیاماً للناس» و عامل پابرجایی مردم است و قیام در مقام ابراهیم تذکاری است از قیام و پایداری بانی کعبه توحید و قبله موحدان که در عصر تاریک بت‌گری و بت‌گرایی، قهرمانانه بر بت‌های صامت و متحرک شورید و آتش نمرودی را در این راه به جان خرید و خانه توحید را بنیان نهاد و در یک

آزمایش بزرگ و عارفانه و با قربان کردن اسماعیل، اوج شیدایی در برابر معبود را متجلی ساخت و این درسی شد برای همه رهروان توحید و سالکان راه ابراهیم که چگونه برای خدا قیام کنند و در توحید ذوب شوند و از آن چه رنگ شرک و دوگانه پرستی دارد بگریزند تا امام خلق باشند! پس حج ابراهیمی بدون قیام پشت سر ابراهیم خلیل علیه السلام و نهادن قدم جای قدم آن قهرمان توحید مفهوم ندارد. جالب آن‌که فقه شیعه نماز در مقام ابراهیم را به استناد صریح آیه کریمه قرآن و روایات صحیح الزامی می‌داند و این دقیقاً با فرهنگ تشیع همخوانی دارد که ولایت و برائت را در درون می‌پرورد و قیام برای خدا و استقامت در برابر طاغوت‌های هر زمان و پرخاشگری در برابر ستمگران را در متن تعالیم خود به‌ویژه در مناسک حج، که یک عبادت با مفاهیم اجتماعی-سیاسی است، جای می‌دهد.

این در حالی است که برخی مذاهب و مکاتب فقهی، علی‌رغم دلالت صریح آیه کریمه بر وجوب اتخاذ موضوع نماز از مقام ابراهیم، آن را ضروری نمی‌دانند!



معتقدند محل برگزاری آن، پشت مقام ابراهیم علیه السلام است و به آیات و روایات استناد کرده‌اند.

برخی از فقهای متقدم، نماز نزد مقام ابراهیم را الزامی ندانسته و انجام آن را در هر نقطه‌ای از مسجد الحرام کافی و مجزی می‌دانند. البته قائل به این قول بسیار اندک و به قول فقها «قول شاذ» است که به موجب آن اجماع امامیه را نمی‌توان نقض کرد. همچنان‌که در مورد نماز طواف واجب عمره و حج و طواف مستحب و طواف نساء نیز پاره‌ای اختلاف نظریه‌ها به چشم می‌خورد. فقهای عامه نیز قید مقام ابراهیم را الزامی ندانسته و به انجام نماز در هر نقطه‌ای از مسجد حتی حجر اسماعیل فتوی داده‌اند.

«گفتنی است در حال حاضر هیچ‌یک از فقهای شیعه قائل به استحباب نماز طواف در عمره و حج؛ اعم از واجب یا مستحب نیستند و عموماً به وجوب آن فتوی می‌دهند، همان‌گونه که فقهای عظام قید «مقام ابراهیم» را نیز در این نماز الزامی می‌دانند که البته در طواف مستحب (خارج از اعمال عمره و حج) این قید وجود ندارد همچنان‌که اصل

در بیان رمز و راز مسأله به همین مقدار بسنده کرده به پاره‌ای دلایل فقهی و دیدگاه‌ها در این مسأله بنگریم.

دیدگاه‌ها در این مسأله

چنانکه گفتیم، یکی از واجبات عمره و حج، نماز طواف است که باید پشت مقام ابراهیم اقامه شود. دلیل فقهی مسأله، کتاب و سنت و اجماع فقهای امامیه است همچنان‌که سیره جاریه مسلمین طی اعصار، برگزاری این نماز در مقام ابراهیم بوده است. در میان فقهای امامیه کمتر کسی به استحباب نماز طواف قائل شده و برخی اقوال نادر نقض اجماع نمی‌کند. اما در میان فقهای عامه اختلاف نظر جدی وجود دارد؛ برخی به وجوب و برخی به استحباب آن فتوی داده‌اند، همان‌گونه که مستندات فقهی اهل سنت می‌گوید، «مالکیه و حنفیه» قائل به وجوب و دو فرقه دیگر یعنی «شافعیه و حنبلیه» قائل به استحباب آن، حتی در طواف واجب‌اند.

از سوی دیگر اختلاف نظر در محل برگزاری نماز طواف است که این نیز مورد اختلاف عامه و خاصه می‌باشد، در حالی که اکثر قریب به اتفاق شیعه

ابوالحسن (امام کاظم علیه السلام) را که دو رکعت طواف را به دلیل کثرت جمعیت، در مقابل مقام و نزدیک به سایه‌ها برگزار نمودند.»

نماز طواف نیز در طواف مستحبی، معتبر نیست و می‌توان آن را انجام نداد و یا در هر نقطه مسجد انجام داد.

نماز طواف در حال ازدحام

از این روایت چنین استفاده می‌شود که در حال ازدحام می‌توان نماز طواف را با فاصله از مقام خواند، با توجه به این که نمازگزار مقابل مقام و رو به کعبه ایستاده باشد و شاید مقصود از سایه‌ها، سایه دیوارهای عمارت اطراف مسجد باشد، که البته این نیز نباید فراموش شود که صحن مسجد و عمارت اطراف آن در زمان امام کاظم علیه السلام با امروز تفاوت داشته و با توسعه مسجد الحرام، دیوارها به عقب کشیده شده است، در هر حال از روایت فوق می‌توان تکلیف زائران در نماز طواف، هنگام ازدحام و مزاحمت جمعیت را روشن ساخت. در چنان وضعیتی نمازگزاران نباید اصرار ورزند که نماز طواف را نزدیک مقام بخوانند و مزاحمت برای طواف کنندگان فراهم کنند و افزون بر این، موجب اهانت طواف کنندگان یا مأموران حرم نسبت به نمازگزاران باشد. امروزه نیز فقهای عظام همین‌گونه فتوا داده و صدق پشت مقام را، هرچند با فاصله، در حال ازدحام

همان‌گونه که در دو روایت سابق‌الذکر دیدیم، نماز طواف باید نزدیک و پشت مقام ابراهیم باشد ولی از آن جا که نماز پشت مقام و نزدیک به آن، غالباً موجب مشقت و گاه غیرممکن است لذا هنگامی که ازدحام مانع شود و یا برای طواف کنندگان ایجاد مزاحمت نماید، روایات ما اجازه می‌دهد نماز طواف پشت مقام و با فاصله خوانده شود؛ به گونه‌ای که منافی با مدلول آیه کریمه نباشد که جای نماز را به مقام ابراهیم محدود ساخته است؛ «وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى...» به این مضمون روایتی است که شیخ طوسی در تهذیب می‌آورد:

«عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام يُصَلِّي رَكَعَتِي الْفَرِيضَةِ بِحَيْثُ الْمَقَامِ قَرِيباً مِنَ الظَّلَالِ لِكَثْرَةِ النَّاسِ.»^{۱۰}

«حسین بن عثمان گوید: دیدم



کافی دانسته‌اند.

شایان گفتن است که مقام برای نماز طواف موضوعیت دارد و با مسائل طواف بی‌ارتباط است. کسانی که محدوده طواف را به مسافت میان کعبه و مقام مقید ساخته‌اند، از باب بیان فاصله طواف‌کننده با خانه کعبه است که نباید از ۲۶/۵ ذراع بیشتر باشد و کسانی که طواف را به این فاصله محدود ندانسته‌اند، طواف از پشت مقام ابراهیم را نیز جایز می‌دانند.

خلاصه این‌که مسأله طواف و نماز، دو بحث جداگانه‌اند.

مقام در تعبیرات مختلف^{۱۱}

فقهای ما در تعبیر از محل نماز طواف سه شیوه را پیموده‌اند:

۱ - بیشتر آن‌ها به «خلف مقام»؛ «پشت مقام» تعبیر کرده‌اند.

۲ - گروه زیادی تعبیر «عندالمقام»؛ «نزد مقام» را برگزیده‌اند.

۳ - جمعی دیگر عبارت «فی‌المقام»؛ «در مقام» را به کار برده‌اند.

صاحب شرایع گوید:

«يَجِبُ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتِي الطَّوَّافِ فِي الْمَقَامِ...»

«واجب است دو رکعت نماز طواف را در مقام بخواند؛ همان‌جایی که امروزه مقام قرار دارد و در جای دیگر جایز نیست. بلی اگر ازدحام مانع بود که در مقام بخواند پشت مقام یا یکی از دو طرف آن می‌توان خواند.»

علامه در قواعد گوید:

«دو رکعت نماز طواف باید در مقام؛ همان‌جایی که امروزه قرار دارد خوانده شود و در جای دیگر جایز نیست، پس اگر ازدحام مانع بود می‌توان پشت مقام یا یکی از دو جانب آن خواند.»

عبارت دو فقیه نامبرده (علامه و صاحب شرایع) صراحت دارد که آن‌ها از کلمه «فی» ظرفیت را اراده کرده‌اند؛ چرا که مقام را به‌عنوان محل نماز برگزیده‌اند. سیاق عبارت آنان نیز مؤید این برداشت است؛ زیرا گفته‌اند: اگر به دلیل ازدحام نتواند در مقام نماز بخواند، پشت مقام یا یکی از دو طرف را انتخاب کند.

این تعبیر واکنش‌های مخالفی را از سوی فقها برانگیخته مبنی بر این‌که: مقام؛ یعنی محل قیام حضرت ابراهیم عليه السلام هنگام

مجاورت به اسم مقام نامیده‌اند؛ زیرا قطعی است که سنگی که اثر پاهای ابراهیم بر آن نقش بسته برای نماز مناسب نیست ندارد؛ همچنان‌که اختلافی میان علما نیست که جلوی مقام ایستادن و با پشت کردن به آن در حال نماز جایز نیست.

پس از شهید اول، «محقق کرکی» نیز در «جامع المقاصد» توجیه شهید را آورده و تأیید کرده و افزوده است: «از این جا معلوم می‌شود مقصود از مقام، جایگاهی است که برای نماز آماده شده که در پشت مقام و سنگ محل پای ابراهیم قرار دارد و هرگاه ازدحام جمعیت مانع باشد، در پشت آن محل می‌توان نماز خواند (در گذشته بنای خاصی در نظر گرفته شده بوده که به نمازگزاران مجال می‌داد در آن محل نماز طواف را بخوانند که در حال حاضر آن محل و بنا وجود ندارد و اطراف مقام مانند سایر نقاط مسجد است.»

بدین ترتیب گفتار محقق کرکی ناظر به آن بنا در آن محل خاص در زمان ایشان بوده است.

پس از محقق کرکی مرحوم نراقی نیز در «مستند» به این نکته توجه کرده و

بنای کعبه، قطعه سنگی بوده به شکل مکعب متساوی‌الأضلاع که طول هر ضلع یک ذراع دست و تقریباً مساوی با پنجاه سانتی متر می‌باشد و این مقدار برای اقامه نماز ظرفیت ندارد. محل کافی برای نمازگزار دارای خلقت معتدل و معمولی، در حال رکوع، سجود و جلوس، پنجاه سانتی متر در صد سانتی متر است. از این رو فقها کوشیده‌اند عبارت دو فقیه نام برده را به گونه‌ای که قابل قبول باشد توجیه کنند. نخستین کسی که به این نکته توجه کرده و به توجیه آن پرداخته، شهید اول است که در کتاب «دروس» می‌گوید: «عمده اخبار و بیشتر سخن فقهای ما تعبیر به «الصلاة فی المقام» ندارد بلکه واژه «عنده» و «خلفه» را به کار برده‌اند. از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که فرمود:

«لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَهَا إِلَّا خَلْفَ الْمَقَامِ»^۱

«برای هیچ‌کس روا نباشد که نماز طواف را جز پشت مقام بخواند.»

بنابراین، تعبیر «الصلاة فی المقام» که برخی فقها آورده‌اند، از باب مجاز است؛ یعنی نزدیک مقام که به دلیل

قرار دارد که معنای مجازی آن است. بعید نیست که احتمال سوم گسترده‌تر از دوم باشد و نمی‌توان گفت که مصنف (علامه حلی) معنای اول را اراده کرده است؛ زیرا آن سنگ برای نماز گنجایش ندارد و در عمل ممکن نیست. معنای دوم نیز بعید به نظر می‌رسد؛ چرا که در زمان پیامبر ﷺ این بنای مخصوص وجود نداشته تا نماز در آن تجویز شده باشد. بدین خاطر مقام مورد اشاره در آیه کریمه، به هیچ‌یک از دو معنای اول و دوم نمی‌تواند ناظر باشد و سزاوار است که آن‌چه در آیه مبارکه آمده و صاحب قواعد، مرحوم علامه، گفته است ناظر به معنای سوم باشد با این خصوصیت که نماز پشت مقام و سنگی که در آن قرار دارد خوانده شود، همان‌گونه که امام صادق علیه السلام در روایت معاویه بن عمار فرمودند: «وَأَجْعَلُهُ إِمَامًا».

تحولات مقام ابراهیم

مسألة فوق الذکر، در واقع به جایگاه مقام ابراهیم و تحولاتی که بر آن رخ داده ارتباط دارد. از آن‌چه تاریخ‌نگاران آورده‌اند می‌توان چنین به دست آورد:

- ۱ - مقام ابراهیم، قطعه سنگی است

در توضیح آن می‌نویسد: «کسانی که قایل به وجوب اقامه نماز طواف در مقام ابراهیم شده‌اند، مانند صاحب‌شرایع، مفاد سخن از دو فرض خارج نیست و آن «پشت مقام» یا «نزد مقام» بودن است؛ زیرا مسلم است که سنگ معهود محل پای ابراهیم برای نماز مناسب نیست.

بنابراین، مقصود یکی از دو صورت است: نزد مقام که قول دوم بود و یا در بنای مخصوص مهیا شده برای نماز که پشت مقام قرار دارد که مرجع آن، قول اول است و اگر چیزی جز این دو فرض باشد ادعایی است بدون دلیل.

پس از این سه فقیه بزرگوار، علامه مظفر نیز در شرح قواعد، ضمن تعلیقه‌ای که بر بحث مقام ابراهیم دارد چنین می‌گوید: آن‌چه در گفتار جمعی از فقها آمده که واجب است این نماز در مقام ابراهیم خوانده شود (فی مقام ابراهیم)، سه احتمال در آن داده می‌شود:

- ۱ - سنگی که اثر پای ابراهیم روی آن به جای مانده، که معنای حقیقی کلمه است.
- ۲ - بنایی که در آن، سنگ مزبور قرار گرفته که معنای عرفی آن می‌باشد.
- ۳ - محلی که در نزدیکی آن سنگ

مقصودشان همان نمازگاه پشت مقام یا نزد آن بوده است؛ همان‌گونه که در گفتار مرحوم نراقی دیدیم.

بنابراین، فقهای که تاریخ حیاتشان از قرن ششم به بعد است؛ مانند محقق حلّی، صاحب شرایع (متوفای سال ۶۷۶) و علامه حلّی، صاحب قواعد (متوفای ۷۲۶) به «فی‌المقام» تعبیر کرده‌اند و مقصودشان همان مصلاهی است پشت مقام یعنی سنگ مخصوص قرار گرفته است؛ یعنی نماز در این مصلا باید خوانده شود.

از جمله کسانی که به این نکته اشاره کرده‌اند، شهید ثانی است در مسالک که عبارت شرایع را توضیح داده و می‌گوید: اصل مقام همان سنگ مرتفعی است که ابراهیم علیه السلام هنگام بنای کعبه بر آن می‌ایستاد و اثر پای او در آن به‌جای مانده است. این سنگ در زمان ابراهیم به کعبه چسبیده بوده، محاذی همان نقطه‌ای که امروز قرار دارد. بعداً مردم این سنگ را به محل کنونی منتقل و تغییر مکان دادند و چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث به رسالت شد، آن را به همان محلی که در زمان ابراهیم قرار داشت برگرداندند و بدین منوال بود تا آن حضرت رحلت نمودند و

که به خانه کعبه چسبیده بود و در محلی نزدیک در کعبه، به سمت رکن عراقی، میان در و حفره‌ای که به حفره توبه معروف است قرار داشته است.

می‌گویند آن جامحلی است که آدم علیه السلام ایستاد و از خداوند طلب مغفرت کرد و توبه نمود و خداوند توبه‌اش را پذیرفت. ۲- سپس این سنگ از جایگاه اولیه‌اش به محل کنونی منتقل شد.

۳- این سنگ بر اثر تماس دست‌ها و بوسیدن مردم، آثار اولیه خود را از دست داده و لذا در عهد مهدی عباسی اطراف آن را با فلز طلا پوشاندند و در سال‌های بعد نیز بدین ترتیب از آن حفاظت کردند.

۴- سپس برای آن سنگ قبه‌ای ساخته شد که در ارتفاع خاص آن سنگ قرار گرفت.

۵- در قرن ششم، در نزدیکی آن مصلاهی بنا گردید که این نمازگاه به مقام ابراهیم شهرت یافت.

بدین ترتیب، فقهای که تاریخ زندگی‌شان به قبل از تاریخ بنای مصلا بازمی‌گردد، چنین تعبیر می‌آورند: نماز پشت مقام یا نزد مقام خوانده شود و هرکدام تعبیر به «فی‌المقام» کرده‌اند،

در عهد خلیفه اول و قسمتی از دوران خلیفه دوم به همان حال باقی ماند تا این که خلیفه دوم آن را به محلی که امروزه قرار دارد برگردانید. این مطلبی است که سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.

از آن پس در اطراف آن سنگ ساختمانی بنا نهادند و آن را مقام ابراهیم نامیدند به تناسب همجواری این بنا با مقام و بر اثر کثرت استعمال، این محل که مصلائی نماز بود، به مقام ابراهیم معروف شد که گویی «حقیقت عرفیه» است. این مصلا همواره در عهد سلاطین دولت عثمانی وجود داشت تا این که در دوره سلطنت سعودی در سال ۱۳۸۷ مصلا را برداشته و برای آن سنگ قبه شیشه‌ای چند ضلعی ساختند؛ همان گونه که امروزه مشاهده می‌شود.

علامه در «مختلف» به نقل سخن شیخ پرداخته که او در کتاب «نهایه» در باب «قرائت» جحد را برای رکعت اول و توحید را برای رکعت دوم برگزیده و در باب «طواف» عکس آن را اختیار کرده است.

علامه سپس می‌افزاید: مشهور میان اصحاب ما قول اخیر است؛ چرا که در روایت صحیحی که معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده چنین آمده است:

«تَأْتِي مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ فَتُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَ اجْعَلُهُ أَمَاماً وَ اقْرَأْ فِيهِمَا بِسُورَةِ التَّوْحِيدِ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ فِي الرَّكَعَةِ الثَّانِيَةِ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ ثُمَّ تَشْهَدُ وَ أَحْمَدُ اللَّهَ وَ أَتْنُ عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ وَ اسْأَلُهُ أَنْ يَقْبَلَ مِنْكَ...» ۱۲

باتوجه به توضیحات فوق، ملاحظه می‌کنیم که متأخرین فقها از سال ۱۳۸۷ ه.ق. به بعد تعبیر «پشت مقام» یا «نزد مقام» را برای محل نماز طواف برگزیده‌اند.

کیفیت نماز طواف

در خصوص کیفیت نماز طواف،

مستحبات

مستحب است پس از نماز طواف، خدای تبارک و تعالی را حمد و ثنا گوید و بر محمد و آل محمد صلوات و درود بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي».

«الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَا حَمِدَهُ كُلُّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ رَبِّي وَ يَرْضَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي».

و در روایت دیگر است که بگوید:

«اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

آنگاه به سجده رود و در حال سجده بخواند:

«سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعْبُدًا وَ رِقًا لِأِلَهِ الْإِنْسَانِ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفُرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ غَيْرُكَ فَاعْفُرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

پی‌نوشتها:

۱. بقره: ۱۲۵.
۲. آل عمران: ۹۷.
۳. علل الشرایع، ص ۴۲۳.
۴. تفسیر عیاشی، به نقل از مقاله میقات عربی، شماره ۹، ص ۱۹۲.
۵. میقات عربی، همان، از قصص الأنبیای قطب راوندی.
۶. بقره: ۱۲۵.
۷. التهذیب، ج ۵، ص ۱۳۷.
۸. تهذیب، ج ۵، ص ۱۳۵؛ کافی، ج ۱۰، ص ۲۸۲.
۹. سیأ: ۴۶.
۱۰. تهذیب، ج ۵، ص ۱۴۰.
۱۱. این بخش از نوشتار، برگرفته از کتاب مبادی علم الفقه، الحج، (صفحات ۲۰۹ تا ۲۱۹) تألیف دکتر عبدالهادی فضلی است.
۱۲. تهذیب، ج ۵، ص ۱۳۶.